

آموزش و پرورش فراگیر، نیاز امروز کودکان استثنایی کشور (تحلیل چالش ها و ارائه راهکارها)

جواد جهان^۱، علی صفری^۲، مهران فتحی^۳

^۱ دکترای برنامه ریزی درسی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی کرمانشاه.

^۲ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی کرمانشاه

^۳ دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید رجایی کرمانشاه.

نام نویسنده مسئول:

علی صفری

چکیده

امروزه آموزش و پرورش موظف است شرایطی ایجاد کند که تمام دانش آموزان حتی دانش آموزان ویژه بتواند راه رسم درست زندگی کردن و مهم تر از آن شیوه با هم زندگی کردن را با توجه به حقوق فردی و اجتماعی را یاد بگیرند. اما متأسفانه در جوامع توسعه نیافته به دلیل کمبود منابع و امکانات مالی و تبع ان کمبود و حتی فقدان امکانات و تسهیلات اجتماعی و زیستی قادر نیستند شرایطی عادلانه و یکسان در شأن کرامت تمام افراد فراهم سازند. در این تحقیق سعی شده است موانع و چالش های آموزش فراگیر را شناسایی کند. موضوع آموزش پرورش فراگیر در بیش از ۵۵ سال قبل مطرح شده است. با توجه به تأثیر مستقیم و گسترده ای که آموزش و پرورش در تربیت منابع انسانی جامعه دارد، آموزش و پرورش باید منعطف و کارآمد باشد تا اینکه بتواند با رفع موانع آموزش فراگیر بتواند حقوق فردی و اجتماعی تمام افراد جامعه را احیا کند. روش به کار برده شده برای انجام این تحقیق مروری بوده است. در حال حاضر موانعی عدیده ای بر سر راه آموزش فراگیر می باشد. که با قاندرسازی معلولین می توان موانع فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و نگرشی را هموار کرد. در صورت رفع این موانع، هر کس به فراخور ویژگی ها و توانایی های خود می تواند از فرصت ها و امکانات موجود در جامع استفاده نماید.

واژگان کلیدی: آموزش و پرورش فراگیر- موانع و چالش ها- رویکرد

فراگیر- آموزش و پرورش- جامعه

مقدمه

در عصر کنونی انتظارات از آموزش پرورش گسترش یافته است و فقط (دانستن) مد نظر نیست. آموزش پرورش موظف است، دانش آموزان را برای یک زندگی مشارکت جویانه با توجه به حقوق فردی و اجتماعی آن ها آماده کند؛ "لازم است دانش آموزان راه و رسم درست زندگی کردن و مهم تر از آن شیوه با هم زندگی کردن در اجتماع به عنوان یک شهروند کارآمد را یاد بگیرند، همچنین مهارت های زندگی را فرا بگیرند و شیوه درست و صحیح آموختن را بیاموزند. نیاز به آموزش و یادگیری نوعی نیاز همگانی است و برآوردن این نیاز برای برخی افراد جامعه مستلزم فراهم سازی شرایط و تسهیلاتی است. برای اینکه دانش آموزان با نیازهای ویژه به مهارت «با هم زیستن» دست پیدا کنند، باید زمینه تعامل بیشتر آن ها را با همسالان عادی فراهم کنیم" (غلامحسین زاده، ۱۳۹۴). برای تحقق این امر باید رویکرد آموزش پرورش فراگیر را به کار بست، که این خود موانع و چالش هایی در پیش رو دارد که سبب ناکارآمدی این رویکرد می شود.

"در جوامع توسعه نیافته به دلیل کمبود منابع و امکانات مالی و به تبع آن کمبود و حتی فقدان امکانات و تسهیلات اجتماعی و زیستی تنها امکان موجود، خود انسان ها هستند. بنابراین؛ این جوامع چون قادر به تطابق امکانات و تسهیلات با نیازهای گسترده انسان ها نیستند، لذا انسان را با این امکانات و تسهیلات تطبیق می دهند. انسان در چنین جامعه ای اسیر و برده کمبود امکانات شده و برای تطابق این کمبود، بهای سنگینی می پردازد. این بهای سنگین عبارت است از زیر پا گذاشته شدن حقوق بسیاری از افراد که قدرت تطابق آن ها تا آن حد نیست که بتوانند با این کمبود ها سازگار شوند. به جای اینکه امکانات موجود گسترش یابند تا بتوانند نیازهای متنوع جوامع انسانی را برآورده کنند، در واقع جوامع انسانی به شکل جوامع انتخابی که اعضا آن بر اساس توانایی ها و ویژگی هایشان به عضویت آن در می آیند بدل شده اند" (کاکوجوبیاری و همکاران، ۱۳۸۰).

آموزش پرورش فراگیر چیست؟ "آموزش پرورش فراگیر الگویی است، مبتنی بر توجه به حقوق همه انسان ها در بهره گیری برابر از امکانات جامعه، رویکردی که توانایی ها و نیازها را به عنوان مقوله های طبیعی تلقی نموده و به جامعه فرصت پاسخگویی می دهد، آن هم به شیوه ای که منجر به رشد کل جامعه شده و به هر یک از اعضای آن اهمیت و ارزش می دهد" (ساعی منش، ۱۳۸۸).

آموزش پرورش فراگیر یعنی عدالت و حفظ کرامت انسانی، برای رسیدن به حقوق فردی و اجتماعی. که در قرآن کریم به عدالت و کرامت انسانی اشاره شده است.

﴿وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا ۖ إِغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾

عداوت گروهی شما را وادار نکند که عدالت ننمایید. عدالت بورزید، که نزدیکتر به تقوی است و برای خداوند تقوی بورزید، قطعاً خداوند بکردار شما دانا است. (ایه ۸ سوره مائده).

﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا﴾

و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. (آیه ۷۰ سوره اسراء).

"موضوع، حق آموزش و همگانی کردن آموزش با صدور اعلامیه حقوق بشر در بیش از ۵۵ سال قبل مطرح شد" (ساعی منش، ۱۳۸۵).

"در سال ۱۹۹۰ کنفرانس «آموزش برای همه» در جامتین تایلند به همت ۵ سازمان بین المللی یونسکو، یونیسف، صندوق جمعیت سازمان ملل، بانک جهانی و برنامه عمران ملل متحد با هدف گسترش سواد آموزی در جهان، افزایش فرصتهای یادگیری برای همگان و بهبود کیفیت یادگیری برگزار شد. به دنبال آن در اجلاس جهانی «آموزش برای همه» در داکار سنگال (۲۰۰۰) سران و وزیران آموزش و پرورش کشورهای همگی متعهد شدند که تمامی توان خود را در راه افزایش مراقبت و آموزش جامعه در اوان کودکی، افزایش پوشش تحصیلی، رسیدن به آموزش کیفی، پایان دادن به نابرابریهای جنسیتی و یادگیری متناسب با مهارتهای زندگی به خرج داده و تا سال ۲۰۱۵ به تمامی مفاد اعلامیه صادره در کشورهای خود جامعه عمل ببوشانند. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۳)؛ به نقل از ساعی منش، ۱۳۸۸).

با توجه به ضرورت نیازهای روزافزون جامعه، آموزش پرورش باید پویا و کارآمد باشد، تا بتواند عملکرد درست را برای پاسخ دادن به کاستی ها و نیازهای جامعه داشته باشد. اگر چالش ها بر سر راه آموزش پرورش فراگیر برطرف نشود، آموزش پرورش ما روز به روز ناکارآمدتر می شود و جامعه دچار سیر قهقراپی می شود و به همین دلیل هدف این تحقیق تحلیل چالش های آموزش و پرورش فراگیر است و تلاش شده آن ها را تحلیل کند، تا این که کمکی در اجرای درست آموزش پرورش فراگیر کرده باشد.

سولات تحقیق

- در نظام آموزشی چه چالش هایی بر سر راه آموزش و پرورش فراگیر وجود دارد؟

- آیا غیر از نظام آموزشی سایر سازمان ها و بخش های جامعه می توانند سبب چالش در اجرای صحیح آموزش و پرورش فراگیر شوند؟
- چه راهکارهایی برای رفع چالش های فراگیرسازی مدارس وجود دارد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر به روش مروری می باشد. قبل از نگارش مقاله، کتاب ها و مقالات مرتبط با آموزش فراگیر را جمع اوری نموده و با مطالعه و بررسی آن ها، قسمت های که با هدف و سولات تحقیق مرتبط بوده در مقاله حاضر به کار برده شده است. روش مقاله های بررسی شده اکثراً به استناد از پژوهش های کشورهای پیشرو و سازمان های مربوطه از جمله سازمان یونسکو بوده است.

یافته های تحقیق

چالش های آموزش و پرورش فراگیر

یکی از چالش های رویکرد فراگیر در آموزش و پرورش، عدم آگاهی معلمان و مدیران در اجرای آن است. آموزش کسانی که در آموزش پرورش نقش دارند، به ویژه معلمان و مدیران می تواند سبب آگاهی آن ها در جهت اجرای صحیح آموزش و پرورش فراگیر شود. "مدیریت مدرسه نیز نقش بسزایی در تغییر نگرش عوامل داخل و خارج از مدرسه و فراهم سازی فضای مناسب جهت پذیرش دانش آموزان دارای نیازهای ویژه دارد. در بیانیه ی سالامانکا (یونسکو، ۱۹۹۴) آمده اگر به مدیران مدارس اختیار و آموزش کافی داده شود، آنها میتوانند در ارتقای توان یادگیری مدارس به کودکان دارای نیازهای ویژه نقش عمده ای ایفا نمایند. باید از آنها دعوت شود که روشهای مدیریتی انعطافپذیرتر و منابع آموزشی بیشتری را به کار گیرند. شیوه های یادگیری را متنوع تر کنند، کمک های دانش آموز به دانش آموز را تحرک بخشند، از شاگردان حمایت کنند تا راههای مقابله با مشکلات جدید را بیاموزند و باوالدین آنها و جامعه ارتباط نزدیکتری برقرار سازند" (ساعی منش، ۱۳۸۸).

" تربیت آموزگاران برای اجرای رویکردی فراگیر، نیازمند اقداماتی مبتنی بر افزایش سطح دانش و ارتقای مهارتهای آنها است. به هر میزان دانش و مهارت آموزگاران توسعه یابد، آنها بهتر میتوانند دامنه ی تفاوتها را پذیرفته و به منظور انجام اقدامات مناسب در کلاس درس برنامه ریزی نمایند" (ساعی منش، ۱۳۸۸).

یکی دیگر از چالش های رسیدن به آموزش پرورش فراگیر عملکرد های نظام آموزشی، از جمله تاکید بعضی معلمان بر ارزشیابی سنتی است، که باعث ایجاد جدایی و حصار بین دانش آموزان می شود. " مانع دیگر، خود نظام های آموزشی هستند. نظامی که تفاوت ها را نمی پذیرد و با ارزشیابی سنتی و عمدتاً وابسته به محفوظات، تفاوت ها را دامن زده و بی رحمانه منجر به حذف عده ای از دانش آموزان در طول دوره تحصیلی می شود، نمی تواند پاسخگوی نیاز امروز جامعه ما و زمینه ساز اجرای آموزش فراگیر باشد. کاکو جویباری و هوسپیان (۱۳۸۰) به نقل از نوظهوری، (۱۳۸۸).

" مدرسه ای که به لحاظ امکانات فیزیکی و شرایط آموزشی، قابلیت پذیرش و خدمات رسانی به کودکانی با محدودیت های حسی، حرکتی یا ذهنی را ندارند برای سرپوش گذاشتن روی این نقص، کودک را ناقص در نظر گرفته و او را از محیط آموزشی حذف می کند. یا معلمی که از توانایی ها و قابلیت کافی برای آموزش کودکی با نیاز های خاص آموزشی برخوردار نیست، در واقع برای جبران این ناتوانی خود کودک را ناتوان در نظر گرفته و او را به بهانه اینکه در محیطی دیگر از آموزش مناسب تر بهرمنده خواهد گشت، از کلاس حذف میکند. بنابراین مشاهده می شود که در واقع، بهای ناکارآمدن بودن نظام آموزش و پرورش را کودکان دارای ناتوانی می پردازند، آن ها قربانیان اصلی این وضعیت هستند. در حالی که، اساساً آموزش و پرورش همگانی از ابتدا برای همین گروه از افراد شکل گرفته بوده است" (کاکو جویباری و هوسپیان، ۱۳۸۰).

از چالش های دیگر رویکرد فراگیر موانع اقتصادی و عدم ارائه خدمات تکمیلی مناسب است. به عبارت دیگر نظامی که خواهان آموزش پرورش فراگیر است باید امکانات و خدمات لازم در اختیار مدارس قرار دهد.

"بحث هزینه ها، وسایل کمکی و خدمات تکمیلی، تأمین بودجه، سازماندهی نیروی انسانی مشکلات دیگری در جهت گسترش آموزش فراگیر است. هر چند عدهای آموزش فراگیر را یک انتظار غیر واقعی در مورد صرفه جویی در پول قلمداد میکنند ولی به عقیده مرکز مطالعات در مورد آموزش و پرورش فراگیر نگرش ها و عدم وجود تعهد در جهت انتقال منابع از مراکز مجزا، به عنوان موانع اصلی در سر راه آموزش و پرورش فراگیر هستند و نه کمبود پول و امکانات مالی" (هوسپیان، ۱۳۸۰) به نقل از نوظهوری (۱۳۸۸).

"عوامل اجتماعی-اقتصادی: بدیهی ترین موقعیت های شکست در نظام آموزشی و وجود نابرابری ها و کمبود ها در نظام آموزشی، در مناطقی مشاهده می شود که دارای پایین ترین سطح تأمین خدمات اولیه هستند (میچل، ۲۰۰۸). هنوز بحث سر در گمی بر سر این است که

بودجه مربوط به دانش آموزان با نیازهای ویژه توسط تسهیل گران آموزش ویژه تأمین شود یا آموزش عادی؟ با توجه به این که دانش آموزان با نیازهای ویژه هزینه های بسیار دارند پیشنهاد می شود هزینه ها با کمک تسهیل گران از طریق آموزش عادی فراهم شود" (به پژوه و عاشوری، ۱۳۹۳).

"منابع تجهیزاتی: در هر مدرسه در ارتباط با مواد درسی مختلف از قبیل تربیت بدنی، علوم تجربی، حرفه و فن و غیره، وسایل و تجهیزات خاصی وجود دارد و از سوی دیگر برخی لوازم و تجهیزات عمومی مانند تخته سیاه که نقش موثری در آموزش دارد نیز موجود است، که اکثراً قابل کاربرد برای دانش آموزان با ناتوانی نبوده و لذا لطامات اساسی به جریان آموزش این گروه وارد می آید. مناسب سازی در زمینه تجهیزات، بسیار اساسی و حایز اهمیت است" (عاشوری و جلیل ابکنار، ۱۳۹۲).

از موانع یا چالش های ملموس آموزش و پرورش فراگیر فضای فیزیکی مدارس می باشد. "منابع فضایی: هر مدرسه از فضاهای داخلی و خارجی چندی برای منظوره های مختلف تشکیل شده است. زمین بازی، سالن اجتماعات و امتحانات، آزمایشگاه، سرویس های بهداشتی و از همه مهم تر کلاس درس. این فضاها تا چه حد برای عبور و مرور استفاده یک دانش آموز استثنایی مثلاً کودک نابینا یا کودکی که از صندلی چرخدار استفاده میکند مناسب است؟ کودکی را در نظر بگیرید که به علت قد کوتاه خود همواره از حل تمرینات و تکالیف روی تخته سیاه باز می ماند یا معاف می شود. کودک کم بینایی که با وجود قرار گرفتن در ردیف جلو باز هم قادر به خواندن مطالبی که معلم روی تخته سیاه می نویسد نمی شود. کودک دیگر نشسته بر صندلی چرخدار را تصور کنید که هر روز چندین مرتبه با کمک دانش آموزان، خدمه و مربیان همراه با صندلی چرخدارش از زمین برداشته میشود تا بتواند خود را به طبقه بالا یا زیرزمین برساند و یا حتی از سد یک پله کوچک بگذرد. این مثالها و صدها نمونه دیگر تا چه حد بر اندیشه، روحیه و کیفیت کار، تحصیل و آموزش دانش آموزان با ناتوانی تأثیر می گذارد؟ چه تعداد از مدارس این موانع و مشکلات را برطرف نموده اند؟ حسن زاده (۱۳۷۷)؛ به نقل از عاشوری و جلیل ابکنار).

فرهنگ و نگرش جامعه در پذیرفتن و نحوه اجرای رویکرد فراگیر بسیار تأثیر گذار هستند. نظام آموزشی، قبل و حین اجرای آموزش پرورش فراگیر، ملزوم به فرهنگ سازی و ارزش گذاری های لازم در جهت پذیرفتن دانش آموزان متفاوت جامعه توسط دانش آموزان عادی، است. تا بعد از فراگیر کردن مدارس به دانش آموزانی که متفاوت هستند برچسب نزنند، ترحم نکنند و یا با کارهای اشتباه دیگر سبب آسیب بیشتر دران ها نشوند.

"عدهای به این امر از بعد ارزشی نگریسته و معتقدند که فراگیرسازی بستگی به ارزش های حاکم بر جامعه داشته و درستی یا نادرستی آن را نظام فرهنگی و اجتماعی جامعه میتواند مورد قضاوت قرار دهد. این نگرش تا حدودی درست می باشد ولی باید دانست بحث ارزشهای حاکم بر جامعه مرحله ی اول نظریه ی فراگیرسازی می باشد. زمانی که جامعه از نظر فرهنگی آمادگی پذیرش آموزش فراگیر را داشت، مراحل بعدی آنکه یکپارچه سازی مکانی، اجتماعی و کارکردی است قابل توسعه و گسترش میباشد" (نوظهوری، ۱۳۸۸). "یکی دیگر از آسیب های احتمالی در فراگیر سازی عملکرد اعضا و کادر مدارس به عنوان الگویی در پذیرش تفاوت هاست. باید در مدرسه، فرهنگی که کنار آمدن با کودکان دارای نیازهای ویژه را تحسین میکند بستر سازی شود و کودکان عادی هنوز نحوه ی برخورد دارای کودکان با نیازهای ویژه را آموخته و نسبت به آنها حساس و همدل شوند" (نوظهوری، ۱۳۸۸).

"نگرش ها: نگرش های منفی در برابر تفاوت ها از یکسو و تعصب ها در جامعه از سوی دیگر، به شکل موانعی بر سر راه پیشرفت آموزش فراگیر عمل می کنند. یکی از عناصر مهم در آموزش فراگیر معلم ها و نوع نگرش آنها به آموزش فراگیر است. وجود نگرش های مثبت برای اجرای موفقیت آمیز برنامه های فراگیر از ضروریات اصلی برای ایجاد تعهد در کارگزاران و دست اندرکاران مربوط، جهت به فعل رساندن تلفیق کامل و نیز سوق دادن هر چه بیشتر و کامل تر دانش آموزان با ناتوانی به سوی مدارس عادی است" به پژوه (۱۹۹۲)؛ به نقل از به پژوه و عاشوری، ۱۳۹۳).

جدول - تحلیل موانع، فرصت ها و چالش ها در آموزش فراگیر استاباس (۲۰۰۸؛ به نقل از به پژوه و عاشوری).

عوامل کلیدی در آموزش فراگیر	فرصت هایی برای توسعه آموزش فراگیر	چالش ها و موانع در توسعه آموزش فراگیر
۱- ساختار قوی، اعتقاد به ارزش ها، باورها رعایت اصول بنیادی و توجه به نشانگرهای موفقیت	ابتکار در بهسازی مدارس رعایت حقوق انسانی حضور الگوهای خوب	سیاست های ضعیف یا ناکارآمد نظام آموزشی سخت گیر حضورمدارس ویژه و الگوهای فردی متعصب

۲- اجرا در بافت و فرهنگ محلی موقعیت عملی منابع و مسائل فرهنگی	ابتکار مبتنی بر محله پیشگامی در برنامه های غیررسمی فرهنگ هایی با تمرکز بر یکپارچگی قوی	اعمال رویکردهای غالب ناهماهنگی در منابع منابع منظم در نظام های مجزا
۳ - بازبینی مشارکتی مداوم چه کسی؟ چگونه؟ چه چیزی؟ چه موقع؟	فعالیت های گروه های افراد با ناتوانی ها، گروه های زنان و والدین شرکت کردن از دوران کودکی ابزارهای خلاق و مشارکتی	نوسان در اجرای آموزش فراگیر سازماندهی فرهنگی ضعیف در جامعه ضعف در کارکنان متعهد

علاوه بر آموزش پرورش بخش قابل توجهی از وظایف آموزش فراگیر به عهده بخش های مختلف جامعه است؛ عدم همکاری هر یک از سازمان ها و بخش های مرتبط جامعه می تواند مانع و چالش جدی در تحقق اهداف آموزش فراگیر باشد. " رویکرد فرگیر یک حرکت تخصصی است که نیاز به همکاریهای بین بخشی دارد و در خدمات یک سازمان خلاصه نمی شود. بنابراین برنامه های توانبخشی مبتنی بر جامعه برای شروع و پایدارماندن، نیاز به همکاری و مساعدت هفت بخش مربوط را دارد که عبارتند از :

۱- افراد دارای ناتوانی

۲- خانواده افراد دارای ناتوانی

۳- جامعه

۴- دولت (محلی یا منطقه ای، ملی - بین المللی)

۵- سازمان های غیردولتی محلی، منطقه ای، ملی و بین المللی

۶- متخصصین پزشکی، متخصصین علوم بهداشتی، مربیان، متخصصین علوم اجتماعی و سایر تخصص ها

۷- بخش خصوصی

درسایه همکاری و شرکت همه جانبه هفت گروه فوق الذکر، توانبخشی مبتنی برجامعه خواهد توانست سیاستها و برنامه های خود را به اجرا در آورد و جایگاه صحیح افراد دارای ناتوانی را به آن ها بازگرداند. سیاستگذاری برنامه های توانبخشی مبتنی برجامعه براساس اجزاء ذیل می باشد :

-ایجاد نگرش مثبت نسبت به افراد دارای ناتوانی

-پیش بینی سرویسهای خدمات توانبخشی عملکردی

-ایجاد فرصتهایی در زمینه منبع در آمد در سطح خردوکلان

-تدارک وپیش بینی فرصت های آموزشی و تربیتی

-پیش بینی تسهیلات مراقبتی

-پیشگیری از عوامل مسبب ناتوانی

-مدیریت، کنترل و ارزیابی

باید توجه داشت که اثرگذاری و اثرپذیری کلیه اجزای برنامه توانبخشی مبتنی برجامعه، هماهنگی و اجرای دقیق سیاستهای مطرح شده را میخواهد که خود درسایه مدیریتی مؤثر تحقق خواهد یافت" (فرهبد، ۱۳۸۲).

بحث و نتیجه گیری

"برای ایجاد نظام فرگیر نیاز به اقدامات در زمینه تغییر نگرش، افزایش دانش و اصلاح قوانین است" (ساعی منش، ۱۳۸۸). با همت مسئولین در آموزش پرورش فراگیر، تمام موانع در راه فراگیر سازی اجتماعی، فیزیکی و برنامه درسی برطرف می شود و در این صورت به رسالت اصلی آموزش و پرورش نایل می آییم. همانطور که "در برنامه اقدام جهانی، خاطرنشان شده است که معلولیت حاصل اختلال در رابطه بین افراد معلول و محیط زندگی است و هنگامی روی میدهد که موانع فرهنگی، فیزیکی و اجتماعی، باعث عدم دسترسی معلولان به نظامها و سیستمهای مختلف اجتماعی شود که برای سایر شهروندان فراهم است. براین اساس، معلولیت به معنی فقدان یا محدودیت فرصت ها در راه مشارکت در زندگی اجتماعی، در سطحی همانند با دیگران است و از این رو در بحث برابری فرصتها به این نکته توجه می شود که نظام کلی جامعه برای تمام افراد قابل دسترسی باشد، از جمله محیط فیزیکی و فرهنگی، آموزشی، خدمات اجتماعی، فرصت های شغلی و...." (فرهبد، ۱۳۸۲).

"برای اجرای موفق تر آموزش فراگیر ضروری است که علاوه بر تهیه مقدمات و ایجاد زمینه های لازم از هر حیث و نظر با ارائه دلایل منطقی و مستدل، هم به والدین و هم به دست اندرکاران آموزش و پرورش در خصوص انتخاب راه صحیح برای آموزش دانش آموزان با نیازهای ویژه کمک کرد" (عاشوری و جلیل ابکنار، ۱۳۹۲).

"یک نظام آموزشی کارآمد نظامی است انعطاف پذیر که از یک سو دارای خصیصه بومی شدگی (یعنی متناسب بودن آموزش و پرورش با شرایط ملی و دینی آن جامعه)، و از سوی دیگر مبتنی بر رویکرد انسان گرایانه است: به نحوی که آموزش را به عنوان یک هدف در نظر نمی گیرد، بلکه آن را وسیله ای برای رشد ارزش های انسانی و بالا بردن قابلیت افراد برای با هم زیستن می داند. علاوه بر اینها، چنین نظامی به لحاظ امکانات و شرایط آموزشی تا به آن حد گسترش یافته است که می تواند تمامی افراد با طیف گسترده ای از توانایی ها، ناتوانی ها و تفاوت ها را در بر گیرد. در چنین شرایطی تمرکز از روی دانش آموز به عنوان علت اصلی عدم موفقیت تحصیلی برداشته شده و بر روی عوامل دیگری نظیر قابلیت معلم، نگرش معلم، همسالان، مسئولین و سیاستگذاران آموزشی، امکانات و شرایط آموزشی معطوف می گردد" (کاکوجویاری و هوسپیان، ۱۳۸۰).

آموزش پرورش نباید در پی آن باشد که تفاوت ها را از بین ببرد، بلکه باید آن ها را بپذیرد و تلاش کند به صورت کامل به آن ها توجه کند و جواب گوی نیاز های آن ها باشد. در نتیجه "قادر سازی معلولین، وابسته به رفع موانع فیزیکی، اجتماعی، فرهنگی و نگرشی است و در صورت رفع این موانع، هرکس به فراخور ویژگی ها و توانایی های خود، می تواند از فرصتها و امکانات موجود در جامعه، استفاده نماید" (فرهبد، ۱۳۸۲).

پیشنهادهای

آموزش برای همه، تصویب قوانین پایدار و اصولی برای اجرای آموزش و پرورش فراگیر، سازماندهی دانش آموزان با نیاز های ویژه، ایجاد زمینه های لازم به خصوص از حیث اقتصادی برای رفع چالش های آموزش و پرورش فراگیر، توانمند سازی خانواده ها و ساختارهای که با تبعیض مبارزه میکنند، تدوین برنامه درسی متناسب با نیازهای دانش آموزان ویژه، تشویق دانش آموزان با نیاز های ویژه در جهت یادگیری و شاد نگه داشتن آنها، تغییر نگرش و فرهنگ سازی در کادر آموزشی و سازمان های اجتماعی برای پذیرفتن تفاوت ها در دانش آموزان، ارتقای آموزگاران و مدیران برای اجرای درست آموزش و پرورش فراگیر و برخورد صحیح آن ها با انواع دانش آموزان با نیاز های ویژه و ترویج پژوهش های در جهت تحلیل چالش های آموزش و پرورش فراگیر.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن کریم.
- [۲] کاکو جویباری، علی اصغر و هوسپیان، آلیس (۱۳۸۰). مبانی فلسفی آموزش و پرورش فراگیر. تهران: نشر مشاهیر.
- [۳] ساعی منش، صمد (۱۳۸۸). فلسفه و مبانی آموزش و پرورش فراگیر. مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، ۱۰ (۹۸-۹۹)، ۶۶-۷۵.
- [۴] ساعی منش، صمد (۱۳۸۵). آموزش و پرورش فراگیر نیازها و راه کارها. مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، ۵ (۵۸)، ۷۳-۷۷.
- [۵] فرهبد، مژگان (۱۳۸۲). توانبخشی مبتنی بر جامعه و آموزش و پرورش فراگیر. فصلنامه پژوهشی در حیطه کودکان استثنایی، ۳ (۲)، ۱۴۳-۱۶۱.
- [۶] نوظهوری، رامین (۱۳۸۸). اسبب شناسی آموزش فراگیر در آموزش و پرورش. مجله تعلیم و تربیت استثنایی، ۷ (۹۷)، ۷۴-۸۰.
- [۷] به پڑوه، احمد و عاشوری، محمد (۱۳۹۳). دانش آموزان با نیاز های ویژه و آموزش فراگیر: نقش اولیا و معلمان. مجله پیوند، ۸ (۴۲۰)، ۷-۱۴.
- [۸] عاشوری، محمد و جلیل ابکنار، سیده سمیه (۱۳۹۲). از عادی سازی تا آموزش فراگیر، تحولی در نظام آموزشی. مجله تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، ۱۳ (۴)، ۴۹-۶۰.
- [۹] غلام حسین زاده، حسن (۱۳۹۴). آموزش فراگیر: وضعیت موجود و مطلوب. مجله تعلیم و تربیت استثنایی، ۱۵ (۲)، ۵۱-۵۶.